

- | | |
|--------------------|---|
| سرشناسه | : آموزگار یگانه، ژاله، ۱۳۱۸ - |
| عنوان و پدیدآور | : زبان، فرهنگ و اسطوره. |
| مشخصات نشر | : تهران: معین، ۱۳۸۶. |
| مشخصات ظاهری | : ۶۲۱ ص. |
| شابک | : ۹۷۸-۹۶۴-۷۶۰۳-۹۵-۹ |
| وضعیت فهرست نویسی | : فیپا. |
| یادداشت | : کتاب نامه. |
| موضوع | : ادبیات ایرانی - پیش از اسلام - مقاله ها و خطابه ها. |
| موضوع | : زبان های باستانی - ایران. |
| موضوع | : ایران - تاریخ - پیش از اسلام. |
| موضوع | : اساطیر ایرانی. |
| موضوع | : مقاله های فارسی - قرن ۱۴. |
| رده بندی کنگره | : ۳ز۸ / آ ۷۶ PIR. |
| رده بندی دیویی | : ۸۰ / ۰۹ فا. |
| شماره کتابخانه ملی | : ۴۵۱۳۰ - ۸۵ م. |

تاریخچه‌ای از نگارش و خط*

بشر زمانی که خواست آن چه را می‌اندیشد نقش کند، در حقیقت قدم به دنیای نگارش گذاشت. در مرحله نخست تصویرهای واقعی را برای ارتباط کتبی ترسیم کرد و با این کار خط تصویری آغاز شد.

تعداد فراوان تصویرها و عدم امکان نقش کردن مسایل عاطفی، کمبودهای این روش نگارش بود.

کم‌کم تصویرها شکل ساده‌تر و نمادین‌تری به خود گرفتند و برای مفاهیم عاطفی علایمی قراردادی وضع شد. مثلاً نقش دو پا نشانه راه رفتن و چشم اشک‌آلود نشانه اندوه بود. مجموعه این تلاش‌ها نوعی خط اندیشه نگار را در دسترس نگارندگان قرار داد.

سپس در همین مسیر خط «هیروگلیف» وارد عرصه نگارش شد. گستره انتشار آن بیشتر در مصر و در دست کاهنان بود. یونانیان چون این خط را اعمجاب‌آور و پر از رمز و راز پنهانی کاهنان مصر یافتند، این نام را بدان بخشیدند که در زبان یونانی به معنی نوشته نشانه‌های مقدس است.

سابقه خط هیروگلیف را تا هزاره چهارم پیش از میلاد نیز می‌توان پیش برد. خط هیروگلیف را بر پاپیروس می‌نوشتند. پاپیروس از ساقه‌های فشرده نوعی نی به دست می‌آید و نیای کاغذ است. کلمات *paper, papier* و... در زبان‌های غربی با این واژه ارتباط دارند.

مصریان نخستین مصرف‌کنندگان پاپیروس بودند و نوشت افزار آن‌ها نیز نوعی قلمی نی‌ای بود که آن را در مرکب سیاه یا قرمز فرو می‌بردند. این خط بیشتر افقی و از راست به

چپ نوشته می شود و به ندرت از چپ به راست و گاهی از بالا به پایین، تصویر انسان‌ها و حیوانات رو به آغاز خط دارد.^۱

بعدها خط هیروگلیف در مصر تحول می یابد و به سادگی می گراید و دو نوع خط هیراتیک (دینی) و دموتی (مردمی) از آن به وجود می آید. مرحله بعدی خط، خط میخی است.

کهن ترین اقوامی که در بین النهرین زمینه خط میخی را فراهم کرده اند سومری‌ها هستند. قومی متمدن که نژاد سامی نداشتند و برخی این احتمال را می دهند که از کنار دریا به این منطقه مهاجرت کرده باشند. رد پای آن‌ها از اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد در بین النهرین دیده می شود. علم نجوم، تقسیم ساعت به شصت دقیقه و دقیقه به شصت ثانیه، مسایل هندسی و اوزان، میراث‌های گران‌بهای هستند که این قوم برای آشوری‌ها و بابلی‌ها بر جای گذاشتند. سومری‌ها چون پیوندی با همسایگان‌شان نداشتند از میان رفتند یا جذب اقوام سامی شدند. سومری‌ها چون مصری‌ها و چینی‌ها، از نخستین اقوامی هستند که تمایل به ضبط گفتار و اندیشه هایشان داشتند و برای این کار خط میخی را برگزیدند.^۲ خط میخی آغازین سومری‌ها شباهت به خط مصری دارد یعنی خط میخی در اصل نوعی خط تصویرنگاری بوده است، آن را بر روی لوح نقش می کردند و به همین دلیل رفته رفته تصویرها حالت ساده‌تر و زاویه مانندی به خود گرفتند و سرانجام علامت‌های تشکیل دهنده این خط به صورت میخ درآمد.^۳

به جز تفاوت‌های ظاهری خط هیروگلیف و خط میخی، تفاوت آشکار دیگر آن‌ها در ابزار نوشتن است. برای نگارش خط هیروگلیف همان‌طور که گفتیم از پاپیروس و قلم نی و مرکب استفاده می شد. در حالی که برای نوشتن خطوط میخی نیاز به لوحه‌های گلی نرمی بود که با قلم چوبی بر آن می نگاشتند و سپس لوحه را می پختند.

۱. فریدریش، بوهان، زبان‌های خاموش، ترجمه دکتر بدالله نمره، دکتر بدرالزمان قریب، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۵، ص ۵.
۲. همان، ص ۱۰.

۳. زبان‌های خاموش، ص ۳۹ و هم چنین بهار، مهرداد. «خطوط باستانی از آغاز تا خط کوفی»، اسطوره تا تاریخ، نشر چشمه، ۱۳۷۷، ص ۲۵۸.

از خط میخی سومری نخستین، خط میخی ایلامی منشعب می‌شود که برای نگارش زبان ایلامی که جزو زبان‌های منفرد است به کار می‌رود.

خط میخی اکدی (بابلی) نیز از منشعبات همین خط است. خط میخی به جز منطقه بین‌النهرین در گستره وسیعی رواج می‌یابد: در آسیای صغیر و بین‌النهرین شمالی و در میان هیتی‌ها، هوری‌ها، اورارتوها، کاسی‌ها و غیره.^۱

خط میخی کتیبه‌های فارسی باستان دوره هخامنشی از روی خط میخی بابلی و ایلامی درست شده است که نسبت به آن‌ها علایم ساده‌تر و کم‌تری دارد. حروف هجایی هستند. (یعنی مصوت به همراه صامت) و از چپ به راست نوشته می‌شوند. خط میخی زبان فارسی باستان را می‌توانیم صورت تکامل یافته خطوط میخی دیگر بدانیم.

هم‌زمان با تکامل تدریجی خطوط میخی و در هزاره دوم پیش از میلاد خط دیگری در سرزمین فنیقیه پا به عرصه وجود می‌گذارد و آن خط فنیقی است. قدیمی‌ترین نمونه این خط در کاوش‌های شهر گوبله، از شهرهای فنیقی باستان (حوالی سوریه کنونی) که یونانیان آن را بیبلوس می‌نامیدند، به دست آمده است.

این شهر در میان یونانیان، به عنوان داشتن بهترین پاپیروس‌ها، شهرت داشت و مرکز مهم بازرگانی میان مصر و یونان بود. چون یونانیان وسایل نوشتن خود را از این شهر به دست می‌آوردند نام بیبلوس در نزد آن‌ها به معنی کتاب گرفته شد و بعدها Bible، مفهوم کتاب دینی تورات و انجیل را یافت.^۲

الفبای فنیقی با ۲۲ علامت خطی که تنها صامت‌ها را نشان می‌داد، از راست به چپ نوشته می‌شد. به زعم خط‌شناسان، نشانه‌هایی از خط مصری باستان و خطوط تصویری را در الفبای فنیقی می‌توان یافت. این خط برخلاف خط هیروگلیف که در انحصار کاهنان بود و یا خط میخی که تنها طبقه دیران با آن سر و کار داشتند، به راحتی در دسترس عامه قرار گرفت. چون نگارش و فراگرفتن آن آسان بود.

این خط در آسیای غربی نفوذ یافت و جایگزین خط میخی شد و به غرب (اروپای امروز) که هنوز دارای خط و کتابت نبود راه یافت. این مسئله از طریق یونان انجام گرفت که با فنیقی‌ها ارتباط بازرگانی داشتند.

۱. زبان‌های خاموش، ص ۴۸. ۲. پوردادود، فرهنگ ایران باستان، تهران ۱۳۲۶، ص ۱۳۲ تا ۱۳۶.

یونانیان این الفبا را با اسم سامی آن که نماینده دو حرف اول آن بود «آلفابتا» نامیدند و برای استفاده خود تغییراتی در آن دادند و مصوت‌ها را وارد خط ساختند و خط صامت نگار را به آوانگار تبدیل کردند و جهت نگارش را نیز تغییر دادند و از چپ به راست نوشتند.

لازم به یادآوری هست که کهن‌ترین نوشته‌ها معمولاً از راست به چپ و سپس از چپ به راست نوشته شده است و در آغاز نوعی روش شیارگونه متداول بوده است. گونه‌ای از خط یونانی را، یونانیان مهاجر با خود به روم بردند و در آن جا بر این مبنا، الفبای لاتینی به وجود آمد که زبان‌های گوناگون اروپا بدان خط نوشته شد. بخش‌هایی از اروپای شرقی که به کلیسای روم وابسته بودند، الفبای لاتینی را برای نگارش برگزیدند، مانند لهستانی‌ها، چک‌ها، کرووات‌ها و....

اما در سده نهم میلادی کشیشی از کلیسای بیزانس به نام سیریل با ترکیبی از الفبای یونانی و رومی خطی را برای نگارش زبان اسلاوی به وجود آورد. گونه‌ای تعدیل شده از این الفبا که سیریلیک نامیده می‌شود برای نگارش زبان روسی و دیگر زبان‌های هم‌جوار به کار می‌رود.^۱

الفبای فنیقی به نوعی، شبه قاره هند را نیز درنوردید. دانشمندان خط برهمایی هند را از فرزندان همین خط می‌دانند که زبان سنسکریت و دیگر زبان‌های هندی با آن نوشته می‌شود. متون دینی بودایی به زبان ختنی (سکایی) که یکی از زبان‌های ایرانی شرقی دوره میانه است به خط برهمایی نوشته شده است.^۲

یکی دیگر از فرزندان خط فنیقی خط آرامی است که به سرعت در خاورمیانه پخش شد.^۳

آرامی‌ها اقوامی بودند که از صحرای شمالی عربستان به سوی خاورمیانه مهاجرت کردند و در بین‌النهرین مستقر شدند. در اوایل هزاره اول پیش از میلاد، حکومت‌هایی برای خود برپا کردند ولی به زودی مقهور و خراج‌گزار آشوری‌ها گشتند. اما از آن جا که

۱. نانل خانلری، پرویز، تاریخ زبان فارسی، جلد اول، چاپ دوم، ۱۳۶۶، ص ۱۳۴.
 ۲. گاورا، البرتین، تاریخ خط، ترجمه عباس مخبر و دکتر کوروش صفوی، تهران، ۱۳۶۷، ص ۱۳۳ به بعد.
 ۳. تفضلی، احمد، «آرامی» دایرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۱، تهران ۱۳۶۸، ص ۲۸۷ تا ۲۸۹.

بازرگانان موفق‌تری بودند نفوذ ریشه‌داری در منطقه کردند و محل استقرار خود را در بابل و نینوا قرار دادند و بر جمعیتشان نیز افزوده شد و زبان این قوم زمانی دراز در این منطقه پایید و مهم‌تر این که بر مبنای الفبای فنیقی، خط آرامی به وجود آمد که به سرعت رواج یافت و تبدیل به خط بین‌المللی منطقه شد و زبان آرامی نیز که چندان دور از زبان‌های سامی آن نواحی نبود، تبدیل به زبان ارتباطی خاورمیانه گشت. پدید آمدن دولت هخامنشی که سرزمینی گسترده از ماوراءالنهر تا بین‌النهرین را در بر می‌گرفت و نیاز به یک زبان ارتباطی واحد داشت، بر گسترش خط و زبان آرامی در این راستا افزود.

خط و زبان آرامی در دولت هخامنشی تبدیل به زبان دیوانی شد و دبیران آرامی نژاد و آرامی زبان در دستگاه‌های دیوانی ایالت‌های مختلف سرزمین هخامنشی به خدمت مشغول شدند و زبان و خط آرامی با عنوان آرامی رسمی یا آرامی امپراطوری پا به پای فارسی باستان و خط میخی که تنها در کتیبه‌های هخامنشی به کار می‌رفت در ارسال مراسلات به کار گرفته شد. بدین صورت که نامه به زبان هر ایالتی تقریر می‌شد. دبیر آرامی زبان آن را به زبان و الفبای آرامی می‌نوشت و نامه به ایالت‌های دیگر فرستاده می‌شد و در آن جا دبیرهایی از همین نوع آن را به زبان آن ایالت برمی‌گرداندند و برمی‌خواندند.

پس از دوران هخامنشی در دوره کوتاه مدت اسکندر و سلوکی‌ها زبان و خط یونانی در مراسلات رسمی و اداری به کار رفت تا این که در زمان اشکانیان خط پهلوی اشکانی برای نوشتن زبان پهلوی اشکانی، بر مبنای خط آرامی پایه‌ریزی شد و سپس خط پهلوی ساسانی در همین راستا به وجود آمد که هرکدام گونه‌های کتیبه‌ای و تحریری دارند. این خطوط صامت نگارند و حتی تعداد علامت‌ها نسبت به الفبای آرامی کم‌تر نیز هست و همین موضوع مشکلاتی را برای خواندن زبان پهلوی ایجاد می‌کند. این خطوط از راست به چپ نوشته می‌شوند.^۱

خط اوستایی که برای به تحریر درآوردن کتاب دینی زردشتیان به کار رفته است و یکی از کامل‌ترین خطوط دنیاست، بر مبنای خط پهلوی ساسانی اختراع شده است. این

۱. آموزگار، زاله، فضل‌ی، احمد، زبان پهلوی، ادبیات و دستور آن، انتشارات معین، چاپ سوم ۱۳۸۰، ص ۴۴ تا

خط آوانگار هست و با ۵۳ یا ۵۸ علامت صامت و مصوت از قابلیت نگارشی بسیار بالایی برخوردار است. از راست به چپ نوشته می‌شود و به نام‌های دین دبیره و دین دبیره، دین دفیره و... هم نامیده می‌شود.^۱

از نخستین سده‌های اسلامی چون زبان و خط پهلوی حالت رسمی خود را از دست داد مشکلات آن بیشتر عیان شد و برای سهولت در خواندن متون پهلوی آن را به الفبای اوستایی برگرداندند و این نحوه نگارش پازند نامیده می‌شود.^۲

در دوره زبان‌های ایرانی میانه خطی که مانی در آثار خود به کار برده است نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مانی خطی را بر مبنای خط سریانی ابداع کرد که نسبت به خط پهلوی از امتیازات بهتری برخوردار است و روشن و خواناست.

زبان‌های سریانی یکی از زبان‌های گروه شرقی زبان آرامی است که در دوران گذشته زبان علمی بود و بسیاری از آثار علمی از یونانی و پهلوی و عبری به این زبان برگردانده شده است. خط سریانی از فرزندان خط آرامی به شمار می‌آید.^۳

نوشته‌هایی که به زبان سغدی، یکی از زبان‌های شرقی ایران به دست ما رسیده است با خط‌های سغدی مانوی، سغدی مسیحی و سغدی بودایی نوشته شده است که خط اخیر در حقیقت خط سغدی را نشان می‌دهد. این خط نیز از فرزندان شاخه دیگر آرامی است.^۴

لازم به یادآوری است که خط عبری نیز که سابقه زبانی آن به سده چهارم پیش از میلاد می‌رسد از اصل آرامی نشأت گرفته است. عموم یهودیان جهان خط عبری را برای نگارش آثار خود به کار می‌گیرند.

خط عربی نیز با واسطه نبطیان از خط آرامی به وجود آمده است. نبطیان قومی از نژاد عرب بودند که در نبطیه زندگی می‌کردند، از حدود ۱۵۰ سال پیش از میلاد گونه‌ای از خط و زبان آرامی در میان ایشان رایج بود، از این خط، خطی موسوم به سینایی نو

1. Tafazzoli, A. "Dabire, *Encyclopaedia Iranica*, IV 5, 1993, 540-41.

۲. آموزگار، ژاله، «نگارشی از پازند»، مجله دانشکده ادبیات تهران، سال بیست و سوم، شماره چهارم ۱۳۵۵، ص ۱۴ تا ۱۹. (تجدید چاپ شده در همین کتاب).

۳. ابوالقاسمی، محسن، تاریخ زبان فارسی، انتشارات سمت، ۱۳۷۳، ص ۱۵۴.

۴. قریب، بدرالزمان، فرهنگ سغدی، تهران ۱۳۷۴، ص ۲۴ تا ۲۹.

به وجود آمد که از سده اول پیش از میلاد تا سده چهارم میلادی در شبه جزیره سینا رواج داشت. خط کوفی (در کوفه و حیره) و نسخ (در مکه و مدینه) از این خط اقتباس شده‌اند.^۱

گونه‌ای از این خط نسخ برای نوشتن آثار زبان خوارزمی که یکی از زبان‌های ایرانی شرقی است به کار رفته است.

ایرانیان نیز در سده‌های نخستین پس از اسلام با افزودن حروف فارسی به الفبای عربی، خط فارسی را بر مبنای نسخ پایه‌گذاری کردند و سپس خط نستعلیق و خط شکسته و دیگر خطوط ایرانی ابداع شد.